

عصر چلوئی

رضا شاہ وکیر چلوئی اول

یادداشتی پیرامون این کتاب

تا امروز تاریخ پر افتخار سلطنت اعلیحضرت رضاشاه
کبیر و سالهای پیش از سلطنت سر دودمان پهلوی را بسیاری
از نویسندگان ایرانی و مورخان ایراندوست خارجی بصورتی
ارزنده نوشته و یادگار گذارده اند ، اما آنچه در تهیه این
کتاب مورد نظر بوده تطبیق رویدادها با مجموعه ای از
عکسهای گردآوری شده آندوره است که وقایع را گویاتر
از نظر خواننده بگذراند ، از این رو کوشش شده است که
در بیان تاریخ حقیقت و امانت حفظ شود .

با آنکه سلیقه ها در نویسندگی و ذوق ها در تنظیم هر
مجموعه متفاوت است امید میرود شیوه این کتاب مقبول طبع
خوانندگان بویژه صاحب نظران واقع گردد .
در اینجا وزارت اطلاعات از زحمات آقای دانش نویخت
در تألیف این کتاب اظهار قدردانی مینماید .

آبان ماه ۱۳۴۶

عصر پیلوی

جلد یکم : رضا شاه کبیر پیلوی اول

نخستین سخن از شاهنشاه آریامهر

پدرم مارا بجای فرار از تمدن جهانی که آلا بگنمای
ایران فتهی میشد بجهان با احترام و تمدن آن توجه داد
و او بود که ایرانیان را بدوره جدید حیات ملی
راهبری نمود و انقلابی که پدرم ایجاد کرد
سلطنت دو هزار و پانصد ساله شاهنشاهی
ایران را بمسئولیتهای تازه ای متوجه ساخت.



پست ایران^۹

هنگام گشایش سازمان جدید پست ایران . در حضور اعلیحضرت رضاشاه کبیر: از راست به چپ . عبدالحمین میرزا فرما قرصا . سرلشکر کریم آقا بوذرجمهری کفیل بلدیة تهران . امیراکرم پیشکر ولایت عهد . داور وزیر فوائد عامه . امیر مسجهد بختیاری . مؤلف الملک پیر نیارلیس مجلس شورای ملی . رئیس دبستان نظام مخصوص ولایتعهد . تیمور لاش وزیر دربار پهلوی.







یادگار یک روز آدینه

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در طول بیست سال پیوسته کار میکرد و بقول شاهنشاه آریامهر «...جز اوقاتی که با خانواده خود بسر میبرد وقت دیگری برای استراحت و تفریح نداشت...» بطوریکه در طول آن سالهای دراز بیش از چند بار روز جمعه و ایام تعطیل را با خانوادهی خود در خارج از شهر نگذرانید و آنهم در روستای دمرآباد واقع در هجده کیلومتری غرب کرج بود.



درختی که اعلیحضرت بآن تکیه داده اند هنوز در مردآباد حفظ میشود



این عکس را شاهنشاه آریامهر در یک روز آدینه با دوربین عکاسی خود از اعلیحضرت رضاشاه کبیر گرفته اند.

مردآباد را امروز «شاهدشت» میگویند و منطقه ایست که خشک و بی آب بوده ولی با توجه اعلیحضرت رضا شاه کبیر آباد و سرسبز شده و در آن غلات و پنبه و حبوبات و میوه بعمل می آید و کشاورزان لرستانی در آن جا به کشت و کار مشغولند. این کشاورزان هنگام بازدید اعلیحضرت از لرستان برای کشاورزی این منطقه انتخاب و به تهران اعزام گردیدند. در کوههای مجاور شاهدشت با کاوشهای باستان شناسان آثار دوره اسلامی بدست آمده است. این عکس یادگار یک روز جمعه بهار سال ۱۳۰۸ است که اعلیحضرت رضاشاه کبیر را در کنار درختهای شاهدشت با والاحضرت ولایتعهد «شاهنشاه آریامهر» و دیگر شاهزادگان نشان میدهد. از راست به چپ: والاحضرت ققید شاهپور علیرضا پهلوی، والاحضرت شاهدخت شمس پهلوی، والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی و نفر آخر والاحضرت غلامرضا پهلوی هستند.



معارف و فرهنگ

واژه تمدن

ایرانیان باستان واژه « فرهنگ » را بمعنای « تمدن » آورده اند زیرا شهرنشینی و « مدنیت » یافتن عبارت از « تمدن » داشتن بمعنای اعم نیست بلکه هرملتی « فرهنگ » داشته باشد متمدن است و فرهنگ ایران طی اعصار و قرون با تلاش میهن پرستان از گزند بیگانگان رهائی یافته تا عصر پهلوی رسیده و در این دوره معارف ایران قیافه نوین و تازه بخود گرفته است .

هرچه توانست کرد

* رضاشاه کبیر دردهای اجتماعی و علت عقب ماندگی رادر نفس معارف و کمبود مدرسه تشخیص داد و از این رو ابواب فرهنگ و دانش را بروی فرزندان ملت ایران گشود و نوسازی معارف را بنیاد نهاد .

* مدارس و آموزشگاه ها را افزایش داد، جشن های فرهنگی و ملی را برای تجدید سنن ملی و تشویق به وطن دوستی باز گردانید ، دختران مدارس را بدون حجاب بمدرسه روانه ساخت و از فروغ علم و معرفت قلوب آنها را روشن نمود .

* بنای فرسوده مدرسه دارالفنون را وازگون ساخت و بنائی نو برای آن موسسه فرهنگی برپا داشت . بودجه ساختمان های فرهنگی را افزایش داد . معلمین اروپائی را از کشورهای بیطرف برای مدارس ایران استخدام نمود . اعزام محصل به اروپا را امری واجب بشمار آورد و عملی داشت .

* وقتی مشاهده نمود که بودجه و معلم و محل برای گسترش و تاسیس مدارس نو حرفه ای و یا تخصصی وجود ندارد ، آموزشگاه هایی را بنام کلاس های مخصوص بنیاد نهاد و معلمین را بآموزش در آنها رادار گردانید ، کلاس ثبت و کلاس قضائی و آموزشگاه هایی چون « مدرسه پست و تلگراف » و هنرستان های ملی را میتوان در اینجا نام برد .

* دانشسرای مقدماتی و دانشسرای عالی برای تربیت معلم نیز از بنیادهای عصر او است .

* بدعت درس خواندن پسران و دختران را باهم در مدارس ابتدائی و مدارس عالی مانند مدارس اروپا و آمریکا او نهاد .

* در عصر او هنرستان های صنعتی دختران و پسران تاسیس شد و پیوسته از آنها بازدید بعمل می آورد .

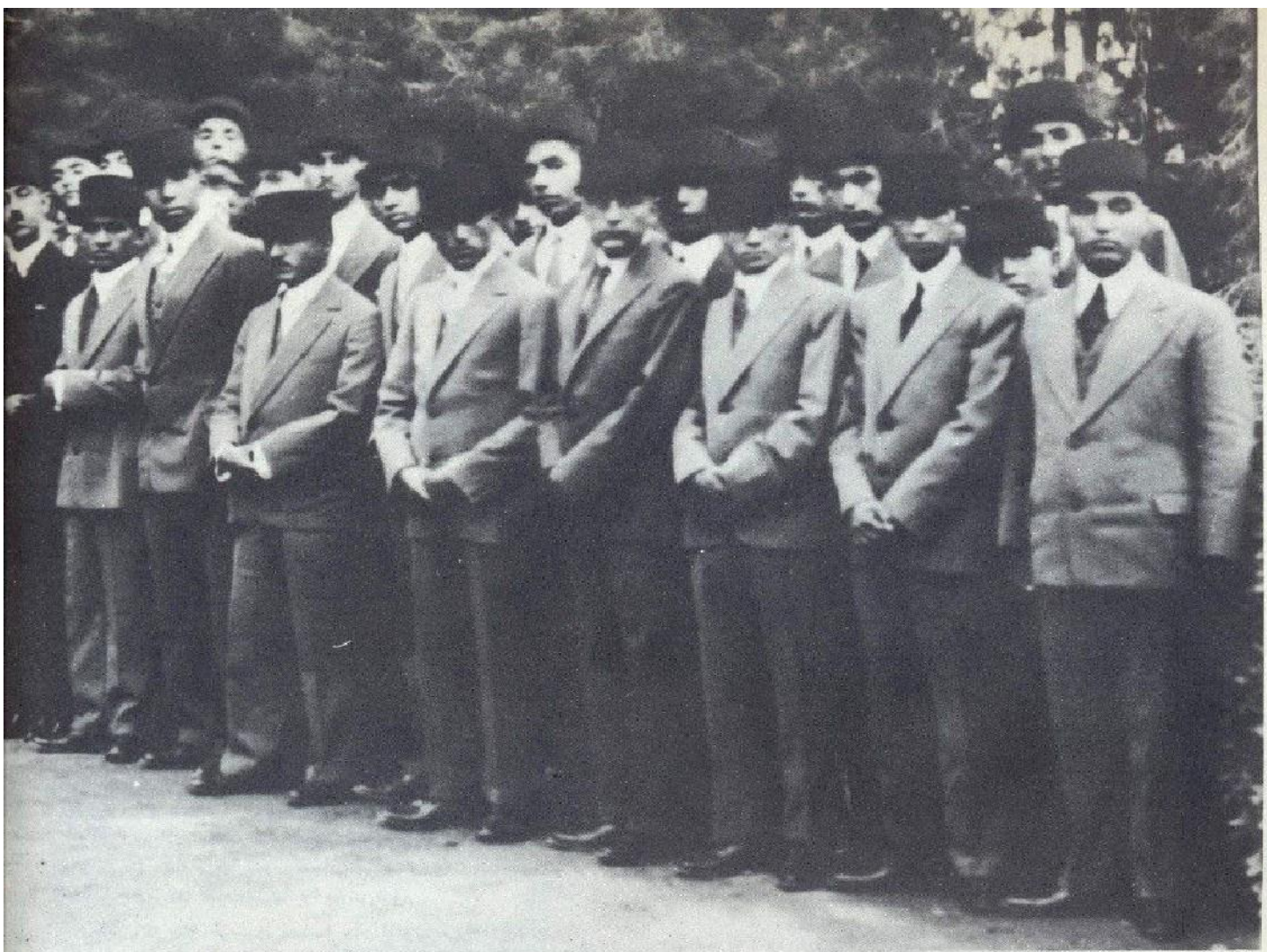
* دانشکده های کشاورزی و صنعتی و مدارس تجارتي را گشود و برای فرا گرفتن و روشن نمودن ذهن اجتماع (مؤسسه پرورش افکار) را بوجود آورد . آنچه هرگز فراموش نمیشود این است که در کتب درسی تحولی بزرگ بوجود آورده که هنوز آثارش باقی است .

* بدانگونه که در سربازخانه ها درس خواندن و باسواد شدن سربازان را اجباری ساخت ، در مدارس سراسر کشور فرا گرفتن درس نظام را هم اجباری گردانید و همه را به تعلیم درس نظام پای بند داشت .

* بامر او بقاع متبرکه و مساجد بازمانده تاریخی تعمیر و مریم شد و دانشگاه تهران که خود مؤسسه ای بزرگ و مرکز تحقیقات علمی است تاسیس گردید . که در فصل خود از آن یاد میشود .

بیکرة اعلی حضرت رضاشاه کبیر در میدان ۴۴ اسفند تهران رو بدانشگاه
نفاذه توجه بفرهنگ ایران بود





گوشه‌ای از دانشرای مقلماقی تهران

لباس متحدالشکل محصلین مدارس

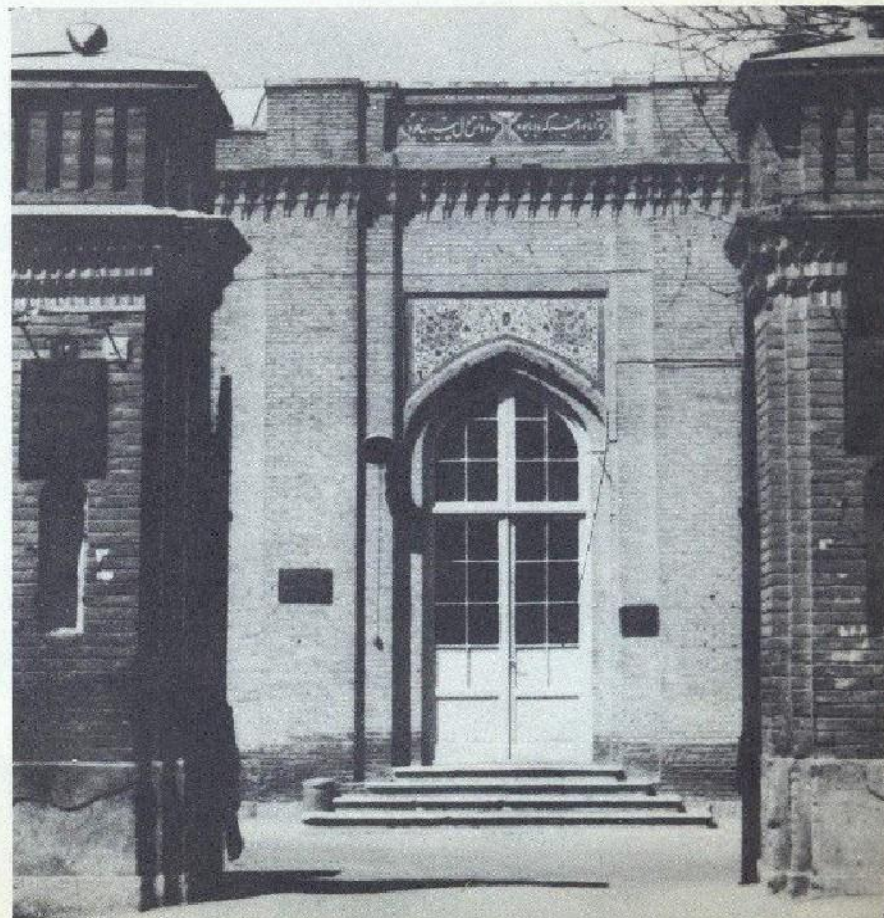
* محصلین را لباس متحدالشکل وطنی پوشانید و درس نظام و فراگرفتن فنون ارتش را هم در مدارس اجباری ساخت و دختران و پسران را از کودکی ورزش سپاهیکری واداشت و در رژه سوم اسفند بهمراه ارتش بحرکت در آورد. ورزش را در همه‌ی مدارس معمول کرد و بپیشاهنگی دارونق داد، از ایجاد هر چه مایه تیر و مندی برای پیشرفت بود از آن فروگذار نکرد و هر چه توانست کرد در نخستین سالهای سلطنتش در سراسر مملکت صدها دبستان و دبیرستان گشوده گشت.

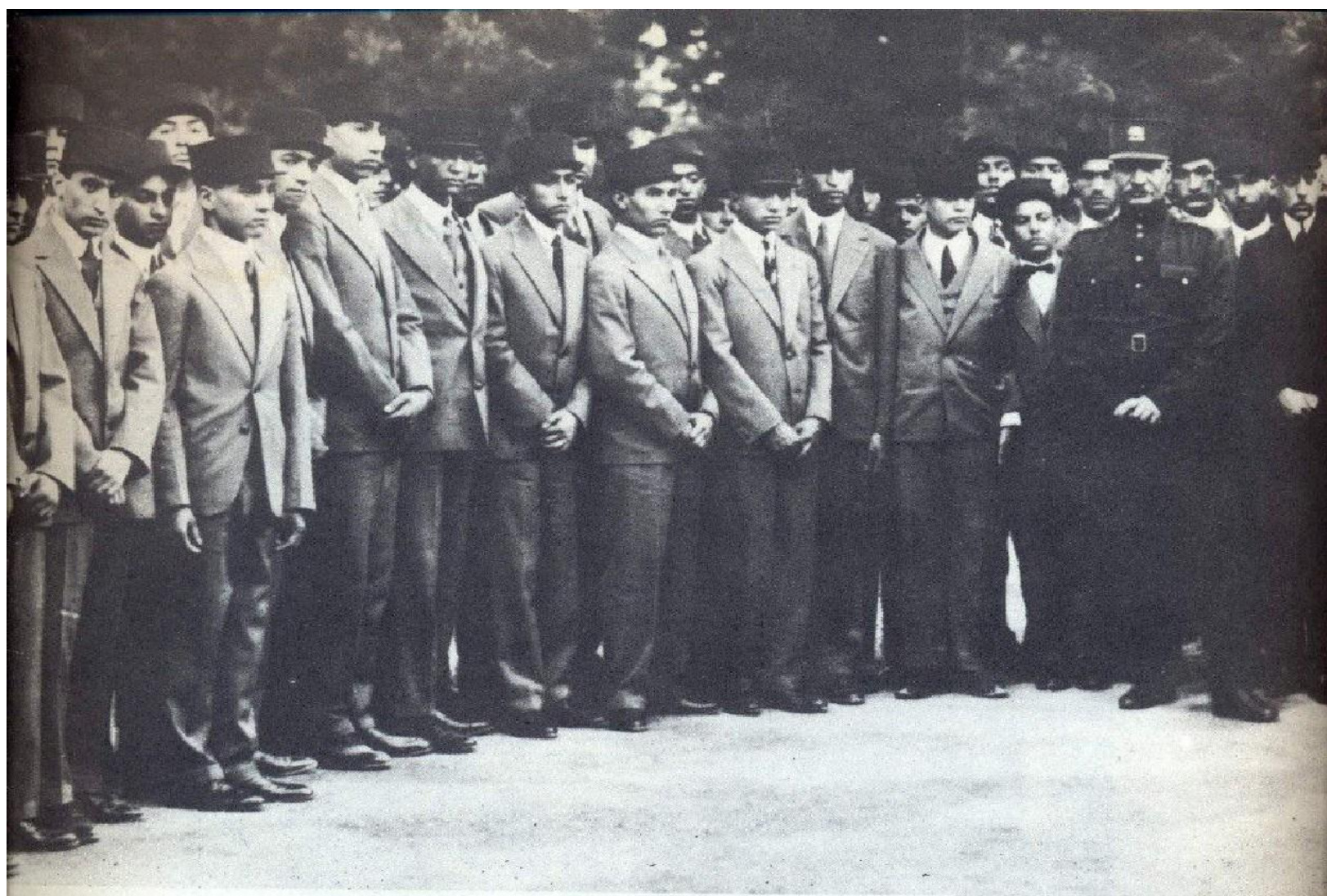
مدارس نوین

* هم در عصر او بود که همه‌ی ارکان معارف و فرهنگ نیرو گرفت و تا آنجا که مملکت توانائی مالی و قدرت تهیه معلم داشت مدارس ایران را از ابتدائی و متوسطه و عالی برپا داشت و در این اواخر کودکستان هم ساخت.

اوراه اروپا را بروی ما گشود

* راه تحصیل در اروپا را که تا آن روز انحصار به طبقه‌ی سرمایه‌دار داشت او بروی فرزندان همه‌ی طبقات ملت ایران باز کرد و مدارس فرانسه و انگلستان و آلمان و آمریکا و دیگر کشورها را نشان داد و فرزندان وطن را بآن سرزمین‌ها فرستاد.





سومین گروه محصلین اعزامی باروفا با قفقاق وزیر و معاون وزارت فرهنگ در کاخ سعدآباد بحضور اعلیحضرت رضاشاه کبیر بار یافتند



گسترش فرهنگ در ارتش

و استخدام افسران فرانسوی برای دانشکده افسری

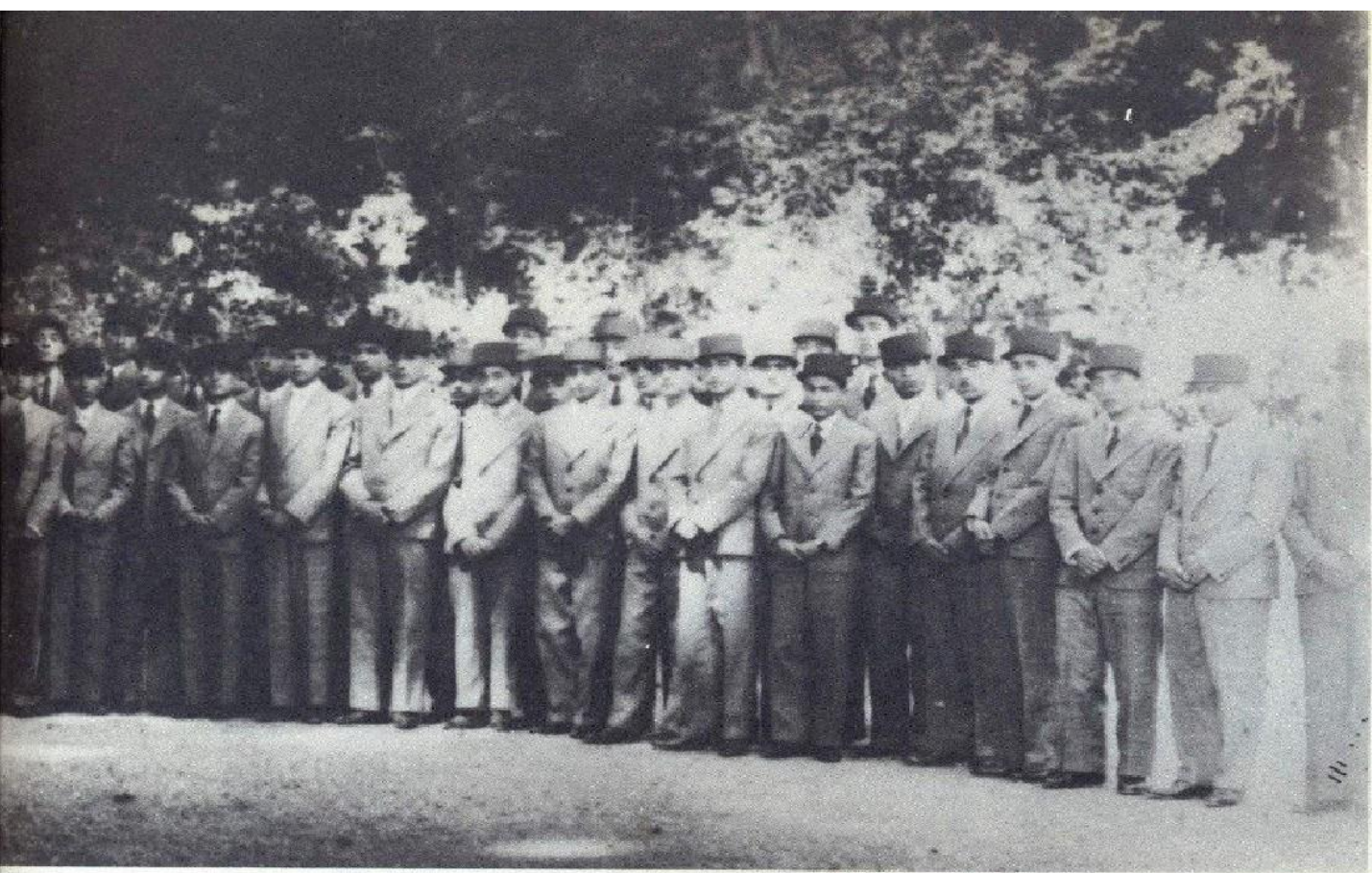
توجه خاص اعلیحضرت رضاشاه کبیر به گسترش سطح فرهنگ در ارتش با تجدید سازمان و نو سازی مدارس نظام از نخستین روز آشکار گشت و همزمان با پیشرفت های فرهنگی در سراسر مملکت برای فرهنگ ارتش اقدامات سریع و پرمایه بعمل آمد. افسران تحصیل کرده مأمور خدمت و اداره مدارس نظام شدند و سرانجام برای آگاهی هر چه بیشتر دانشجویان دانشکده افسری میسیونری از افسران ارشد دانشگاه جنگ فرانسه استخدام و در دانشکده افسری بتدریس گمارده شدند. این میسیون بریاست «سپهبد ژاندر» افسر فرانسوی بود که همه آنها در طول اقامت در ایران با جامه و درجات ارتش ایران خدمت میکردند.

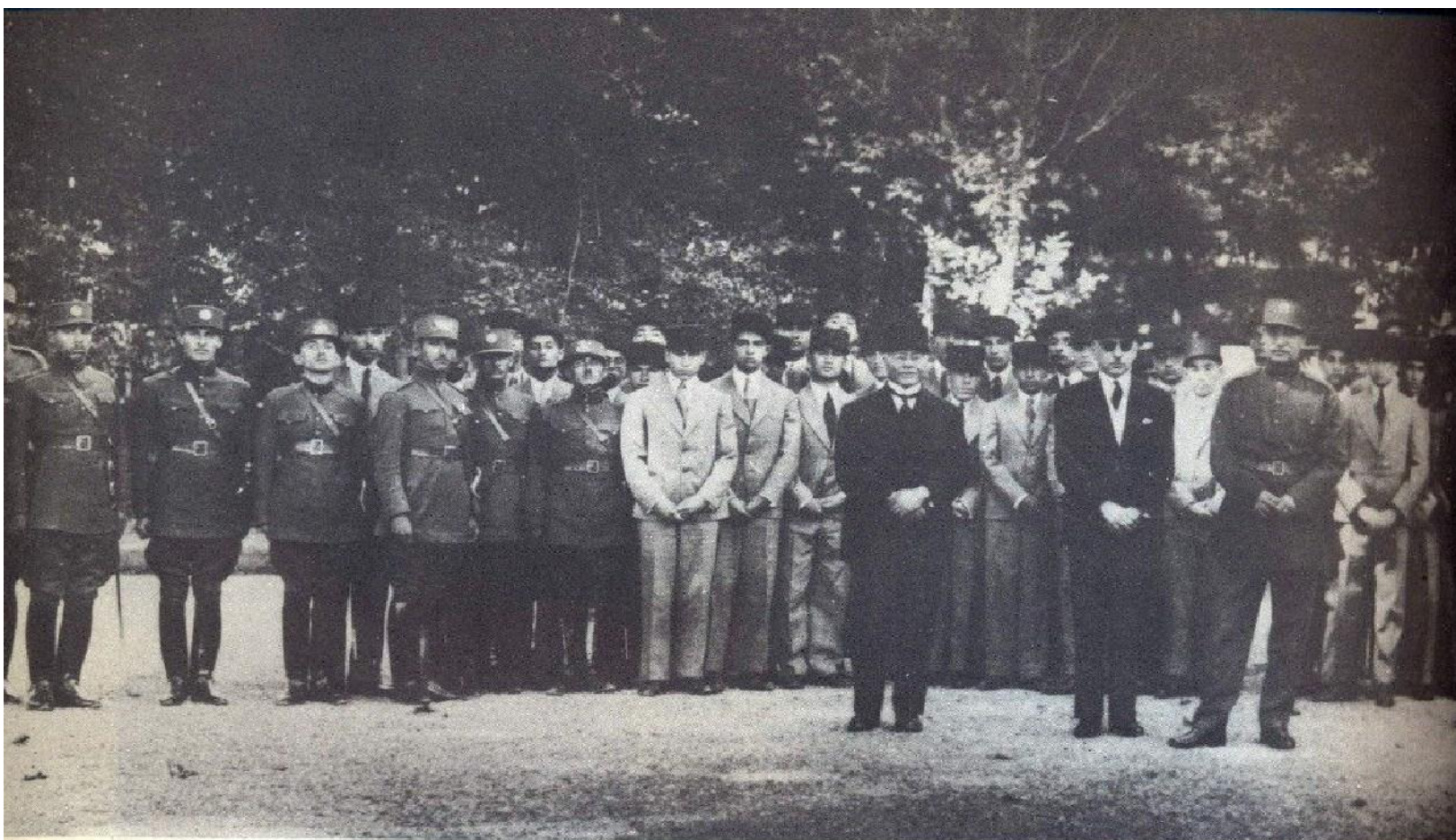




نوترین و بهترین مهمانی که برای ارتش خریداری میشد ابتدا اختصاص بدانشکده افسری می یافت و مدارس نظام تا آنجا تکمیل شده علاوه بردستان، دبیرستان، مدرسه نیابت، مدرسه پزشکی و دامپزشکی ارتش، دانشکده افسری، سرانجام دانشگاه جنگ ایران نیز بوجود آمد و تنها سازمان دانشکده افسری بصورت یک لشکر مجهز درآمد و هیچ فرقی بین افسران ثابت و افسران نظام وظیفه که دانشجویان لیسانس به و دیپلمه مدارس غیر نظامی بودند گذارده نمیشد.

اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای توجه هر چه بیشتر به مدارس نظام بیشتر روزهای هفته صبح یا بعد از ظهر بدون اطلاع قبلی از کاخ مرمر پیاده و بدون تشریفات وارد دانشکده افسری میشدند و تمام سازمانهای دانشکده را مورد بازرسی قرار میدادند و ایام تابستان هم از کاخ سعدآباد مستقیماً به اقدسیه عزیمت نموده و اردوی دانشکده را بازدید میفرمودند.





در پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر محصلین کشوری و لشگری پارویا، اعتماد الدوله قراقرزو وزیر معارف، غلامحسین رهنما معاون وزارت معارف و دکتر ولی‌الله مدبر کل تعلیمات عالیہ افتخار حضور دارند

بامسرت و مهرپدري فرزندان وطن را اندرز دادند

برای يك بار دیگر محصلین اعزامی پارویا با لباس متحدالشکل فرهنگی که عبارت از کت و شلوار سه دکمه برنگ خاکستری و کلاه پهلوی مشکی بود در کاخ سعدآباد به پیشگاه اعلیحضرت رضاشاه کبیر بار یافتند و اعلیحضرت همانند سال پیشین جوانان محصل را فرزندان خود خطاب فرموده و با منتهای مسرت و مهرپدري اندرزهای حکیمانه دادند و در مقدمه بیانات خود اشاره فرمودند که: «... این اولین بار نیست که من از فرزندان خودم که محصلین هستند بدرقه میکنم شاید مرتبه پنجم و ششم باشد ولی تا امروز محصلین لشکری را اعزام میداشتیم و یکبار هم محصلین کشور را فرستادیم و امروز خیلی مسرورم که باز هم شاگردان کشوری را روانه میکنیم».

امیدوارم شما موفق بشوید که با اندوخته‌های فراوان و اطلاعات وسیع بوطن خود بازگردید و منشاء اثرات زیادی برای این مملکت بشوید مملکت بوجود جوانان تحصیل کرده خیلی احتیاج دارد. ما خیلی پروگرامهای وسیع و کارهای عام‌المنفعه در پیش داریم که احتیاج با افراد تحصیل کرده هست و من آرزو دارم که ببینم همه‌ی فرزندان من دارای تحصیلات عالیہ با حس وطن پرستی در رأس کارهای مملکتی بخدمت مشغول باشند. شما باید در اروپا طوری عمل کنید که نشانه سربلندی و افتخار ایران باشید و از شما راپوت‌های خوب بمن بدهند و این پروگرام اعزام محصل نتایج خوب بیارود. سرپرستهای شما از کسانی انتخاب شده‌اند که من بآنها اطمینان دارم. بروید شما را بخدا میسپارم...»

تربیت شاه بنجامه شاهنشاه آریامهر

د .. چون پدرم مصمم بود که اصول ترقی و تعالی دنیای غرب را در ایران بکار اندازد بنا بر این وقتی مرا با اروپا فرستاد کسی ابراز تعجب نکرد زیرا همه میدانستند که وی میخواست ولیعهد خود را با تمدن مغرب زمین بیشتر آشنا ساخته و سرهوقیت ملل باختری را بروی آشکار سازد . برای انتخاب کشوری که باید در آن تحصیل اشتغال ورزم پدرم مدتها اندیشه و تامل داشت زیرا در عین آنکه آثار تمدن و ترقی و تعالی غرب را بدیده تحسین مینگریست بطور کلی به ییگانگان اعتقاد و اطمینان نداشت و بالاخره پس از مدتها مطالعه تصمیم گرفت مرا بویس بفرستد . بنظر من این انتخاب از آن جهت بعمل آمد که پدرم میخواست تحصیلات من در کشوری انجام گیرد که از رنگها و تعلقات سیاسی برکنار باشد و چون بویس کشور کوچکی بود که همیشه در کشمکشهای سیاسی اروپا جنبه بیطرفی را رعایت میکرد آن کشور بر سایر نقاط ترجیح داشت ، و مشاورین وی محیط کشور بویس را برای کسی که جداً در پی تحصیل باشد مناسب تشخیص دادند .

من در ماه اردیبهشت سال ۱۳۱۰ از دبستان نظام فارغ التحصیل و در شهریور همان سال پس از گذراندن تعطیلات تابستانی آماده عزیمت بویس شدم .

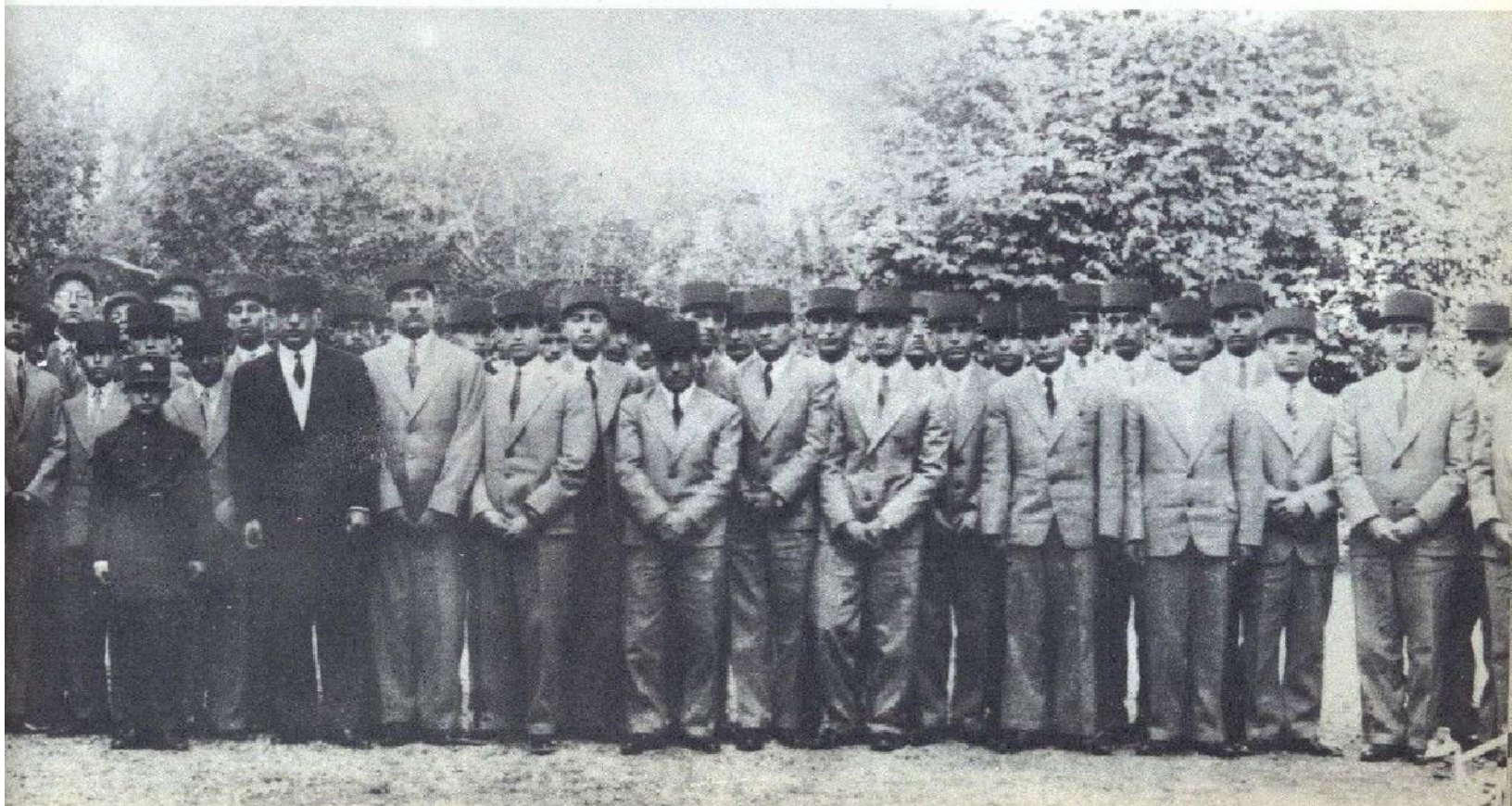
بامر پدرم یکی از پزشکان معروف بنام دکتر مؤدب نفیسی که در کودکی بیشتر بیماریهای سخت مرا معالجه و مداوا کرده بود بعنوان سرپرست و طبیب مخصوص من تعیین شد و مقرر گردید که کلیه امور تحصیلی و شخصی من در بویس زیر نظر و مسئولیت او اداره شود .

آقای مستشار هم که قبلاً معلم ادبیات فارسی من بود مقرر شد با من بویس بیاید تا در آنجا نیز درس فارسی من ادامه یابد .

ضمناً صلاحدید پدرم قرار شد برادر و دو نفر از دبستان نظام نیز با من همراه باشند . انتخاب این دو دوست بخود من واگذار شد و منم اول حسین فردوست و بعد مهرپور تیمورتاش فرزند وزیر دربار پدرم را پیشنهاد کردم و پس از آنکه مورد قبول قرار گرفت باتفاق آنها عزیمت نمودم .



درهیمین سال ولایتعهد برای تکمیل تحصیل عازم اروپا شدند



در حضور والاحضرت ولایتعهد (شاهنشاه آریامهر)

در بندری پهلوی با پدر و مادر و دیگر اعضای خانواده‌ام که بمشایعت من آمده بودند وداع کردم و با اتفاق دکتر نفیسی و آقای مستشار و برادران و دو تن از دوستان فوق‌الذکر وارد کشتی شدیم و بطرف بادکوبه حرکت کردیم و بعد از عبور از لهستان و آلمان بویس به شهر ژنو رسیدیم ...

«...» یکی از صفات مشخص و برجسته پدرم رعایت نظم و ترتیب و دقتی بود که در کلیه امور داشت .
خوب بخاطر دارم هنگامیکه برای ادامه تحصیلات عازم اروپا شدم پدرم دستور داد که برنامه درس فارسی خود را که زیر نظر معلم خود فرامی‌گرفتم همه هفته با اطلاع وی برسانم تا از پیشرفت کار من مستحضر باشد. اتفاقاً یکبار پست تاخیر داشت و پدرم بقدری ناراحت شده بود که فوراً تلگرافی بمعلم من مخابره نموده او را از این تاخیر سرزنش نمود. «...» هنگام اقامت خود در سویس اغلب در باره مسئولتهای آینده خود می‌اندیشیدم . بین من و پدرم هر هفته ارتباط مکاتباتی برقرار بود ولی بمادر و برادران و خواهرانم کمتر کاغذ مینوشتیم ...

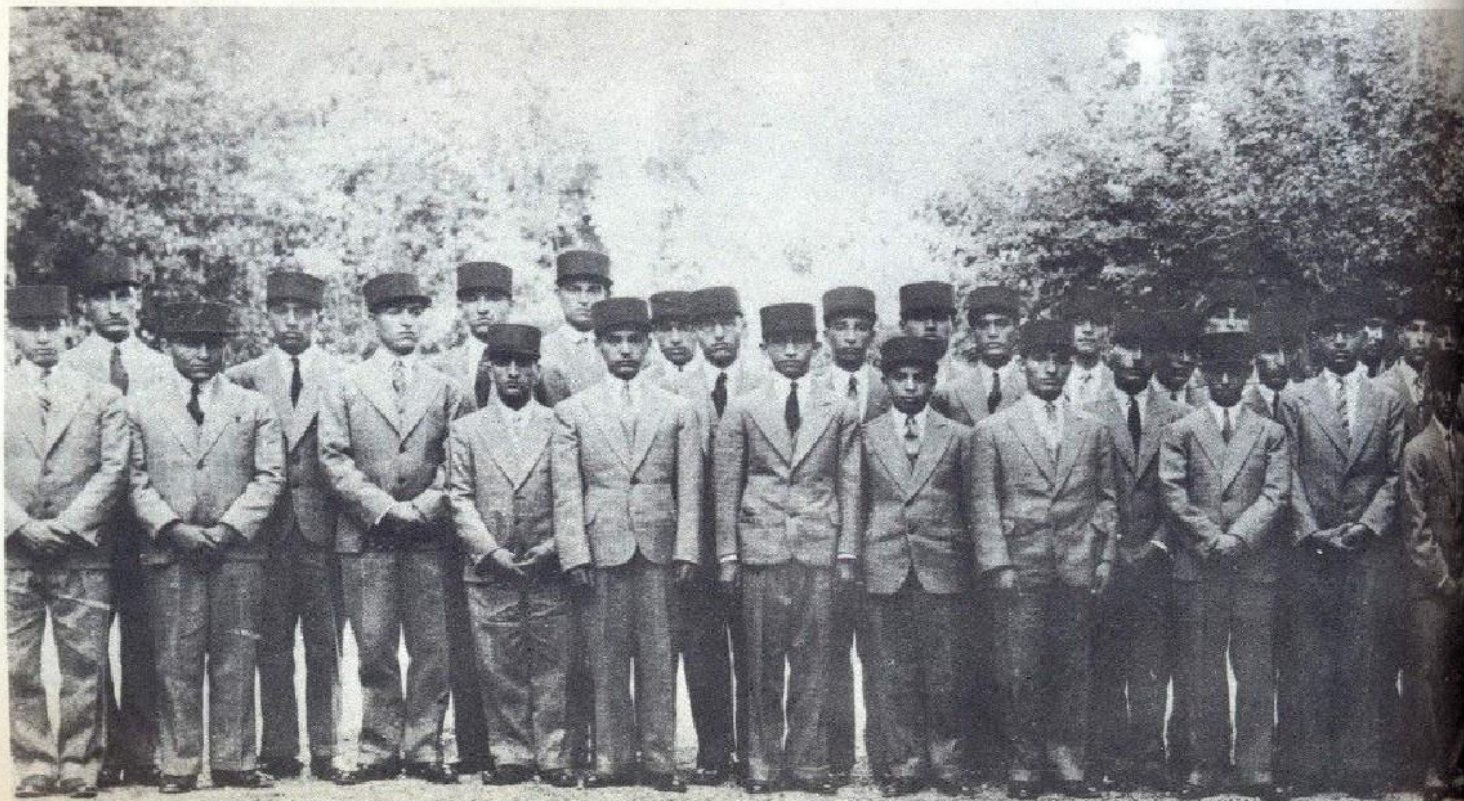
تشریفات عزیمت ولایتعهد

بدانگونه که شاهنشاه آریامهر در کتاب «ماموریت برای وطن» تحت عنوان «تربیت شاه» یاد فرموده‌اند . اعلیحضرت رضاشاه کبیر برای ادامه تحصیل ولیعهد خود بسیار اندیشیدند و سرانجام کشور سویس را انتخاب فرمودند .

روز دوازدهم شهریور ماه سال ۱۳۱۰ بمناسبت عزیمت ولایتعهد باروفا برای ادامه تحصیل مراسمی در کاخ سعدآباد انجام یافت که هیئت دولت و نمایندگان مجلس و رجال مملکت بحضور والاحضرت رسیدند . از جمله رجالی که حضور داشتند . مستوفی-العمالک مؤتمن‌الملک پیرنیا . مشیرالدوله پیرنیا . ونوق الدوله عبدالحمین میرزا فرمانفرما . قوام‌السلطنه بودند .



محصلین اعزامی باروفا پیش از عزیمت با اتفاق وزیر معارف در کاخ سعدآباد بحضور ولایتعهد «شاهنشاه آریامهر» بار یافتند

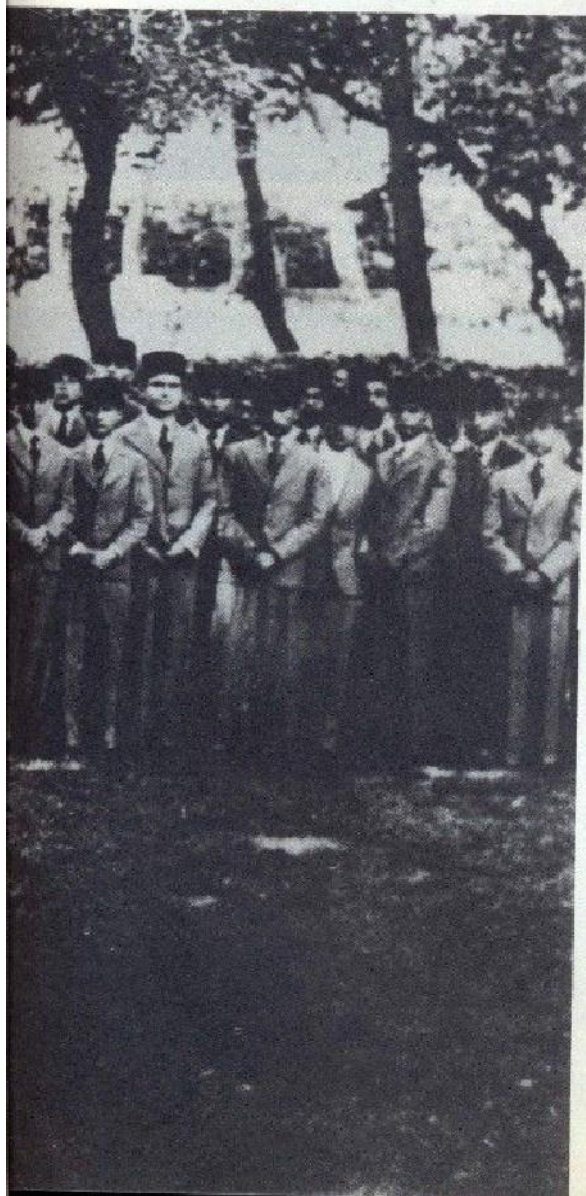




حق شناسی يك دانشجوي نقاش بر پرده نقاشی



مراسم بدرقه از ولایتعهد



← مستومی الممالك از جانب رجال مملكت اين تصميم
اعليحضرت را ستودند و عموم نيز هريك سخنانی در اين باره اظهار
داشتند و در پايان مراسم اعليحضرت رضاشاه كبير تشریف فرما
شدند و مستوفی نيز شرحی دائر بلزوم و اهميت ادامه تحصیل
والاحضرت ولایتعهد ایراد و اعليحضرت را با فرط علاقه ای که بوالاحضرت
داشتند و حاضر بدوری ولایتعهد از وطن شدند تجلیل کردند و تبریک
گفتند و این اقدام را برای آینده مملکت مفید دانستند .
روز ۱۵ شهریور ماه ۱۳۱۰ ساعت چهار بعد از ظهر
کشتی جنگی دولت اتحاد شوروی بنام « پولیان » که برای مسافرت
ولیعهد ایران در بندر پهلوی لنگر انداخته بود آماده حرکت
شد و در دو صف گارد احترام ایران و گارد احترام شوروی مراسم
رسمی و نظامی بجای آوردند و در حالیکه کشتی از بندر دور میشد
اعليحضرت رضاشاه كبير با دوربين دقائق دوری ولایتعهد را نظاره
میکردند .

اظهار رضایت و خرسندی از کوشش محصلین اعزامی بارو پا

بادی از لایحه اعزام محصل بارویا

در مهرماه سال ۱۳۰۷ نخستین گروه محصلین برای فرا گرفتن علوم جدید تحت نظر سرپرستهای آزموده اعزام اروپا شدند و پیش از عزیمت همافطور که در قبول پیش اشاره شد به پیشگاه اعلیحضرت رضا شاه کبیر باریافتند و اندر زهای پدانه آن شاهنشاه بزرگ را استماع نمودند.

در اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۷ پیش پینی هائی برای اعزام محصلین بعمل آمد که از آنجمله لایحه ای به مجلس تقدیم شد و یاشور وشف زائدالوصف نمایندگان بشصوب رسید و مقرر گردید که همه ساله یکصد نفر محصل به تعداد محصلین اعزامی افزوده گردد و تا مدت پنج سال به پانصد نفر برسد بطوریکه هر سال یکصد نفر مراجعه کنند و پیوسته جمع محصلین اعزامی دولت در خارج از کشور پانصد نفر باشد . در لایحه مذکور سالی یکصد هزار تومان اعتبار برای افزایش تعداد محصلین برای پنج سال بادرج در بودجه کل مملکتی منظور گردید،



فرمانات ملوکانہ

خیلی خوشوقت هستم که در این دوره نیز برگردم بخردم تحصیل بیدار و جوانمرد است و خردم تحصیل بیدارم
احال و صل شده در نهایت بخش و چاک از این دوره است که در این تحصیل خوب کار کرده اند امید است این دستیار همان
و حدت و علایمی که کنند در این تاریخ خوب در نهایت بخش از آنها وصل شود (عصر شنبه ۱۳ شهریور ۱۳۰۲ تحصیل از طهران عریضه)

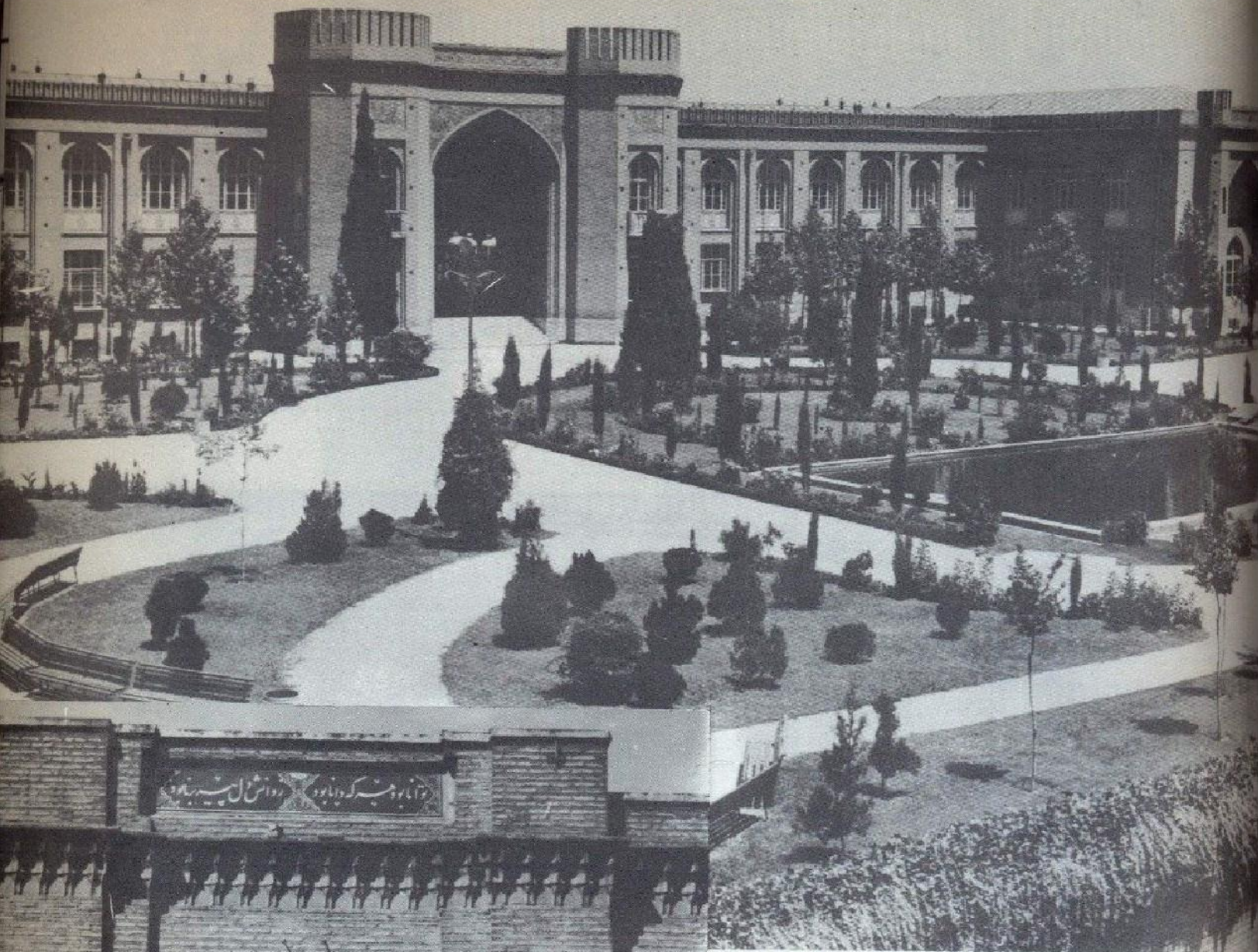
توانا بود و هس که دانا بود زدانش دل پیر بُرنا بود

ملی شدن مدارس بیگانگان

در آغاز سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر مدارس در ایران بویژه در تهران وجود داشت که بیگانگان - فرهنگدوست اداره میکردند و معروفترین آنها کالج امریکائی، لیسه سن لوئی، مدرسه فرانکو پرسیان، مدرسه دخترانه ژاندارک، مدرسه ایران و آلمان بود.

دروس این مدارس و برنامه‌های آنها طبق برنامه و مقررات وزارت معارف ایران نبود بلکه طبق برنامه مدارس امریکا و فرانسه و آلمان تدریس میشد ولی از هنگامیکه در معارف ایران تحول بوجود آمد و برنامه‌های تازه مدارس پیشرفت کرد بنا به امر اعلیحضرت رضا شاه کبیر به مدارس خارجی ابلاغ شد که در صورتی میتوانند بخدمات فرهنگی خود ادامه بدهند که برنامه‌های آنها طبق برنامه‌های وزارت معارف ایران با نامهای ایرانی باشد، از این رو «کالج امریکائی»، بنام دبیرستان البرز و «سن لوئی»، بنام دبیرستان تهران و «مدرسه فرانکو پرسیان»، بنام دبیرستان رازی و «مدرسه ایران و آلمان»، بنام هنرستان صنعتی تغییر نام دادند و همه مدارس برنامه‌های آموزش و پرورش ایران را بموقع اجرا گذاردند و شمار فرهنگ ایران شمر زیبای فردوسی را در جبهه مدارس نصب کردند.





دیرستان البرز در تهران

مدارس اقلیت های مذهبی

اقلیت های مذهبی زرتشتی و ارمنی و کلیمی نیز مدارس داشتند که با گسترش سطح فرهنگ ایران بعصر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی رونق گرفتند و با برخورداری از امنیت خدمات فرهنگی خود راهمگانی ساختند که از همه بیشتر و ملی تر مدارس زرتشتیان ایران است ، مدارس دخترانه و پسرانه زرتشتیان از دبستان و دبیرستان بایناهای تازه تجدید حیات کردند مانند دبستان ایرج. دبیرستان پسرانه فیروز بهرام و دبیرستان دخترانه انوشیروان دادگر که از مدارس ملی یادگار عصر رضاشاه کبیر است .

دانشرای مقدماتی تهران

سیاست ثبوت و امنیت بین المللی

* رضاشاه کبیر پیوسته سیاستی مثبت، آرام و خالی از تشنج برای مملکت انتخاب کرد، دولتهائی که به مجلس فرستاد بر نامه‌هائی کوتاه و پیر عمل داشتند، بطوریکه از نیمه دوم سلطنت رضاشاه پهلوی بر نامه‌هائی دولتها فقط عنوانش «کار» بود. در حالیکه دولتهای پیش از او بر نامه‌هائی وسیع ارائه میدادند ولی قادر نبودند که بموقع اجرا بگذارند.



سه نیروی اصلی
* هر وزارتخانه‌ای بکار خودش مشغول شد و نتیجه‌ی کارش هر روز معلوم و آشکار میگشت.
قوه مقننه و قوه مجریه و قوه قضائیه که سه نیروی اصلی مملکت مشروطه است هر يك راه خود را بدرستی یافت و از طریق درست منحرف نشد.
* قوه قضائیه فقط نامی پیش از پیدایش سلطنت پهلوی داشت که با بودن دو منطقه‌ی نفوذ خارجی در مملکت و وجود کاپیتولاسیون، برای حل و فصل دعاوی کوچک مردم هم عاجز بود.



گشایش دوره پنجم مجلس شورای ملی

چند جمله از بیانات اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگام گشایش

«... از عضویت ایران در شورای جامعه ملل مسرویم . الناء کاپیتولاسیون وانعقاد عهود جدیده که مقتضی حیثیت ملی و منابع ایران بود عامل مؤثر حسن روابط ایران با ممالک خارجه می باشد و آرزومندیم ملت ایران پیوسته در صلح و سلامت باشد تا بتواند تمام وقت خود را صرف کار و عمران و آبادی مملکت خود کند و بهمین جهت در عهد نامه بین المللی تحریم جنگ شرکت کریم و با تطیب خاطر آنرا امضاء نمودیم . تأسیس بانک و نقشه های اقتصادی و کشاورزی که در پیش است برای بهبود طبقات رنجبر مؤثر خواهد بود و هدف اصلاح وضع ملت می باشد که همکاری مجلس مؤثر خواهد بود و علاوه بر این ، مجلس باید توجه مخصوص بتهذیب اخلاق عمومی و ترویج وطن پرستی و وظیفه شناسی و تحکیم ایمان و تقوی در جامعه داشته باشد ...»

قانون و قوه مقننه

* قانون و قوه مقننه و مجلس شورای ملی در نظر رضاشاه کبیر بسیار مورد احترام بود، هر گز گاهی برخلاف قانون بر نمی داشت و همیشه میگفت باید قانون را محترم داشت تا قانونگذار خوب به مجلس شورای ملی برود، زیرا پیش از او مجالس مقننه تقریباً صنفی بود و هر کس زور داشت به مجلس راه می یافت.

مجسمه اعلیحضرت رضاشاه کبیر در میدان بهارستان برابر مجلس شورای ملی



نمایندگان دوره هفتم در حضور اعلیحضرت رضاشاه کبیر، محوطه کاخ سعدآباد

وکالت یا وزارت

* از قوانین مهمی که بدستور او به مجلس فرستاده شد و تصویب رسید قانونی بود که بموجب آن هیچ وکیلی حق نداشته باشد که وقتی بمقام وزارت میرسد وکیل مجلس هم باشد زیرا پیش از این وقتی دولت ها از کار برکنار میشدند وزرا که اکثراً وکیل بودند دوباره بمجلس میرفتند و روی صندلی وکالت می نشستند ولی با قانون مذکور قبول مقام وزارت بمنزله استعفا از وکالت تلقی میشود و وکیل مجلس نیز فقط باید وکیل باشد نه آنکه کار دیگری در دولت داشته باشد و این قانون در سال ۱۳۰۶ تصویب رسید.

* رضاشاه کبیر برای تماس خود با وکلای ملت همه هفته همانند ادوار پیش از سلطنت که روزهای دوشنبه را پارعام داشت نمایندگان مجلس را بحضور می پذیرفت و بایک آنها درباره سیاست مملکت و اوضاع بین المللی گفتگو مینمود و گاه با آنها خیلی گرم و خصوصی و گاه دلسرد که حاکی از عکس العمل کار و کردار وکلا بود برخورد می نمود و درباره قوانین بیشتر صحبت میداشت.

در دیدارهای هفتگی با نمایندگان گاه اداره امور داخلی مجلس شورای ملی بویژه مباشرت مورد پرسش قرار میگرفت. در تمام ادوار سلطنت رضاشاه کبیر یک بار مجلس دچار فترت نشد و پیوسته قوانین مورد نیاز از مجلس ها گذشت.

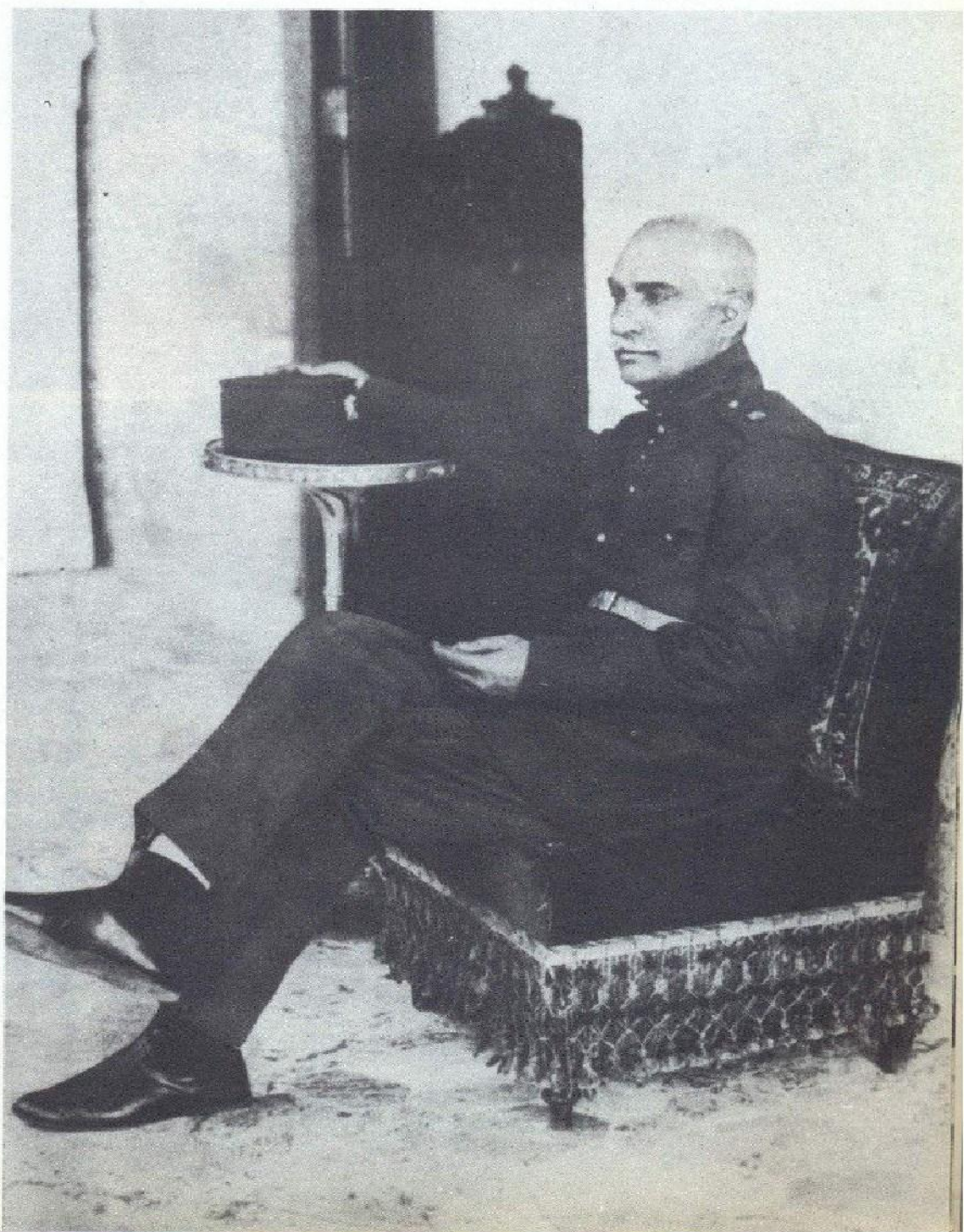


انحاء کاپیتولاسیون و شادمانیهای همگانی

* در اینجا چون سخن از سیاست مثبت و امنیت بین المللی و مسأله کاپیتولاسیون بمیان آمد لازم است این اقدام بزرگی که در عصر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی صورت گرفت از آن به نیکی جزء افتخارات عصر او یاد بشود .

* کاپیتولاسیون که عبارت از قضاوت کنسولی است، امنیت قضائی ما را سست ساخته بود باین معنی که در تمام معاهداتی که دولت ایران در عصر قاجاریه با کشورهای بیگانه امضا کردند این حق را به اجانب دادند که اگر اتباعشان در ایران مرتکب خلافی بشوند فقط سفارتخانه و کنسول آن دولتها حق محاکمه اتباع خود را داشته باشند و دولت ایران متعرض آنها نشود، در نتیجه کار سوء استفاده بیگانگان و قضاوت آنها در ایران بجائی کشید که نه تنها درباره اتباع خود قضاوت میکردند بلکه طرف دعوای اتباع خود را که ایرانی بودند بوسیله غلام سفارت به سفارتخانه جلب و مورد بازجویی قرار میدادند .

* این بود که بامر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی پس از اقدامات پیشین دولت از روز پنجم شهریور اول اردیبهشت ۱۳۰۵ که قرار داد مودت ایران و ترکیه منعقد گشت اعلام داشت که ایران کاپیتولاسیون را ملغی مینماید و سپس در قرارداد مودت بین ایران و اتحاد شوروی هم از ابتدای مذاکره مسأله کاپیتولاسیون ملغی شده اعلام گردید تا در تاریخ بیستم اردیبهشت ۱۳۰۶ که بنای دادگستری نو ریخته شد عملاً کاپیتولاسیون ملغی گردید .





پاسکزاری مؤتمن الملک پرنیاس مجلس شورای ملی

در بیستم اردیبهشت ماه سال ۱۳۰۷ الفاء کاپیتولاسیون رسماً ازطرف دولت اعلام گردید و در سراسر مملکت جشن و چراغانی برپا شد و ملت ایران مسرت و شادی خود را عملاً اظهار و این اقدام بزرگ را مورد ستایش قرار داد.

روز بیست و یکم اردیبهشت ماه رئیس دولت رسماً در مجلس شورای ملی اقدامات دولت را با اطلاع مجلس رسانید و چنین اضافه کرد: «یکسال قبل برای اجرای اراده سنیة همایونی دولت تمهید النسی کاپیتولاسیون را کرد و امروز بنده افتخار دارم که انجام آن تمهید را بعرض مجلس شورای ملی برسانم (لا تفرق بین احد من الملل) همه در تحت قانون و یک محکمه رجوع خواهند شد. ضمناً اظهار مسرت میشود از ممالك و دولی که در این مسئله حسن نیت خودشان را ابراز کردند...»

پس مؤتمن الملک پرنیاس رئیس مجلس شورای ملی در پاسخ اظهارات رئیس دولت گفت: «... خبری را که آقای رئیس الوزرا بمجلس دادند در واقع يك بشارت عظیمی است که قلوب ما را مملو میکند از احساسات و مسرت. خوشوقتی ما نه تنها برای این است که یکی از آمال دیرینه ملی امروز وجود خارجی پیدا می کند، بلکه خوشوقت هستیم که وقوع يك همچو قضیه تخم آمال جدیدی را در قلوب مردم خواهد کاشت، برای اینکه ایجاد آمال و آرزو در بین مردم فقط بحرف و نطق و نصیحت نمیشود و وقتی که اشخاصی پیدا شدند و یکی از آمال مردم را صورت خارجی دادند و آمالی که در حال انحطاط و یأس است تقویت شد آمال جدیدی هم در قلوب آنها ایجاد میشود. ما در مقابل عزم متین اعلیحضرت همایونی که برای تحکیم بزرگترین رکن استقلال ملی فرمودند قلباً و صمیمانه تشکر میکنیم و بهیئت دولت تبریک میگوئیم که برای پیشرفت يك چنین منظور مقدسی تدابیر عملی اندیشیدند و فداکاری و جدیت کردند. قطع دارم ملت ایران با احساسات ما شریک خواهد بود و از شما نمایندگان هم باید ممنون باشند برای اینکه مثل نمایندگان ادوار سابق وقتی که عزت و غیرت ملی پایش بمیان آمد اختلافات را کنار میگذارید و از نظریات حزبی و دستجاتی صرف نظر میکنید و چون همه آقایان را دیدم که مایل هستند هیئت ازطرف مجلس شورای ملی بقرعه معین شود برای عرض تشکر حضور اعلیحضرت، پیشنهاد میکنم هیئت دوازده نفری با قرعه معین شود...»





بانك های نوین عصر پهلوی

واژه بانك و سوابق تاریخی آن : اگر چه امروز واژه «بانك» يك لغت اروپائی است ولی با بررسی هایی که بوسیله زبان شناسان ایرانی بعمل آمده «بانك» و «بانكداری» را از واژه «بنكدار» که تا سالهای اخیر معمول و مصطلح بازارهای ایران بوده و بفروشدگان «گندم و جو و برنج و حبوبات» و بطور کلی به معامله کنندگان «غلات» اطلاق میشده است ، میدانند ، زیرا در گذشته های دور که «پول» و «پیس» و «پانی» و «پوند» و «پهلوی طلا» وجود نداشته و معاملات با ذروسم نیوده و بصورت «کالی بکالی» یا «پایا پای» با دادوستد اجناس هم طراز یکدیگر انجام میگرفته ، یعنی بطور واضحتر آذوقه مردم که «پته» نامیده میشده و آنرا پته داری بوده است ، او را «پنك دار» می گفتند که امروز هم در میان ملل آریائی از آسیائی و اروپائی معروف به «بانك» و «بانکیه» یعنی بانك و بانكدار است و بانك واژه ایست که از عهد قدیم بسراسر دنیای امروز آورده شده است . چنانکه واژه پته و فته و سفته سابقه دیرین دارد و «پته» هم قبل از پیدایش پول فلزی از چرم بوده که بمثابة اسکناس بکار میرفته و در این اواخر «فته طلب» شده است .

بانك در ایران باستان

از کاوشهایی که در شهر «بایلُن» مرکز «بابل» بعمل آمده از جمله در میان آثاری که یسافت شده نشان میدهد که از دوهزار سال پیش از میلاد مسیح برای پول و اعتبار بانك وجود داشته ، چنانکه با ترجمه خطوط یکی از کاشی ها معلوم شده که سند اعتباری و پته و سفته موجود بوده که بوسیله کشاورزان برای دریافت وام و اعتبار داده میشده است .

ترجمه آن کاشی این است که «... و دادایش فرزند نرسین يك شئی نقره ازدختر اییاتم مرد منهبی دریافت داشت تا این مبلغ را برای خرید بندر بکار برد و بهنگام خرمن دوباره آنرا بحامل این سند مسترد دارد ...»

بطور اختصار باید گفت در ایران ، یونان ، مصر بانكداری رواج داشته و پول و ضرب سکه را مرکزی بوده است و ایرانیان رئیس بانك را «زدا سالار» می گفتند زیرا واحد پول ایران «در يك» و «زريك» که همان «زر» و طلا باشد بوده است .

اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگام گشایش بانك ملی ایران با لباس غیر نظامی بیانك ملی تشریف آوردند



سخن پیرامون پنهان ساختن زر و سیم

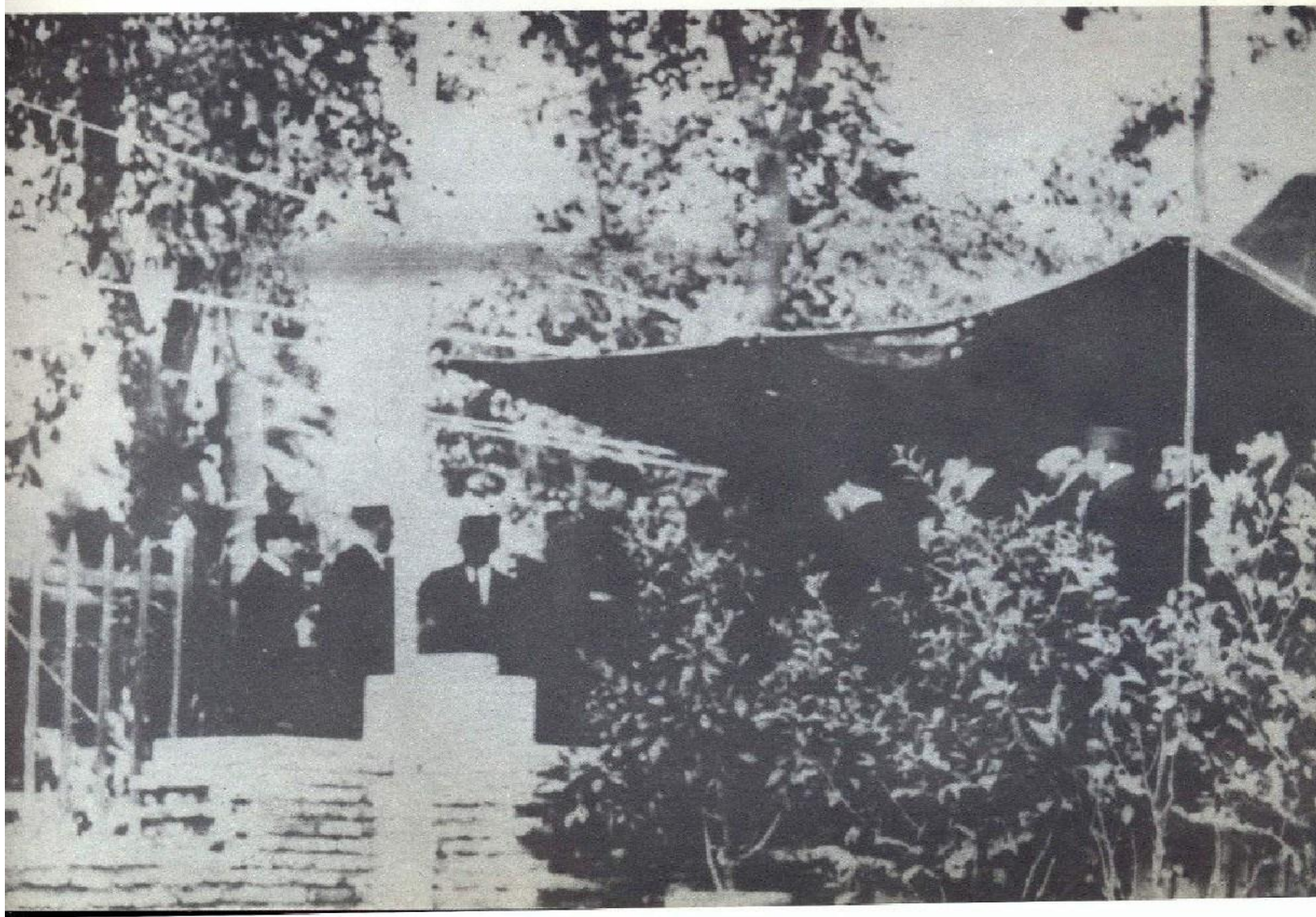
امنیت و پول

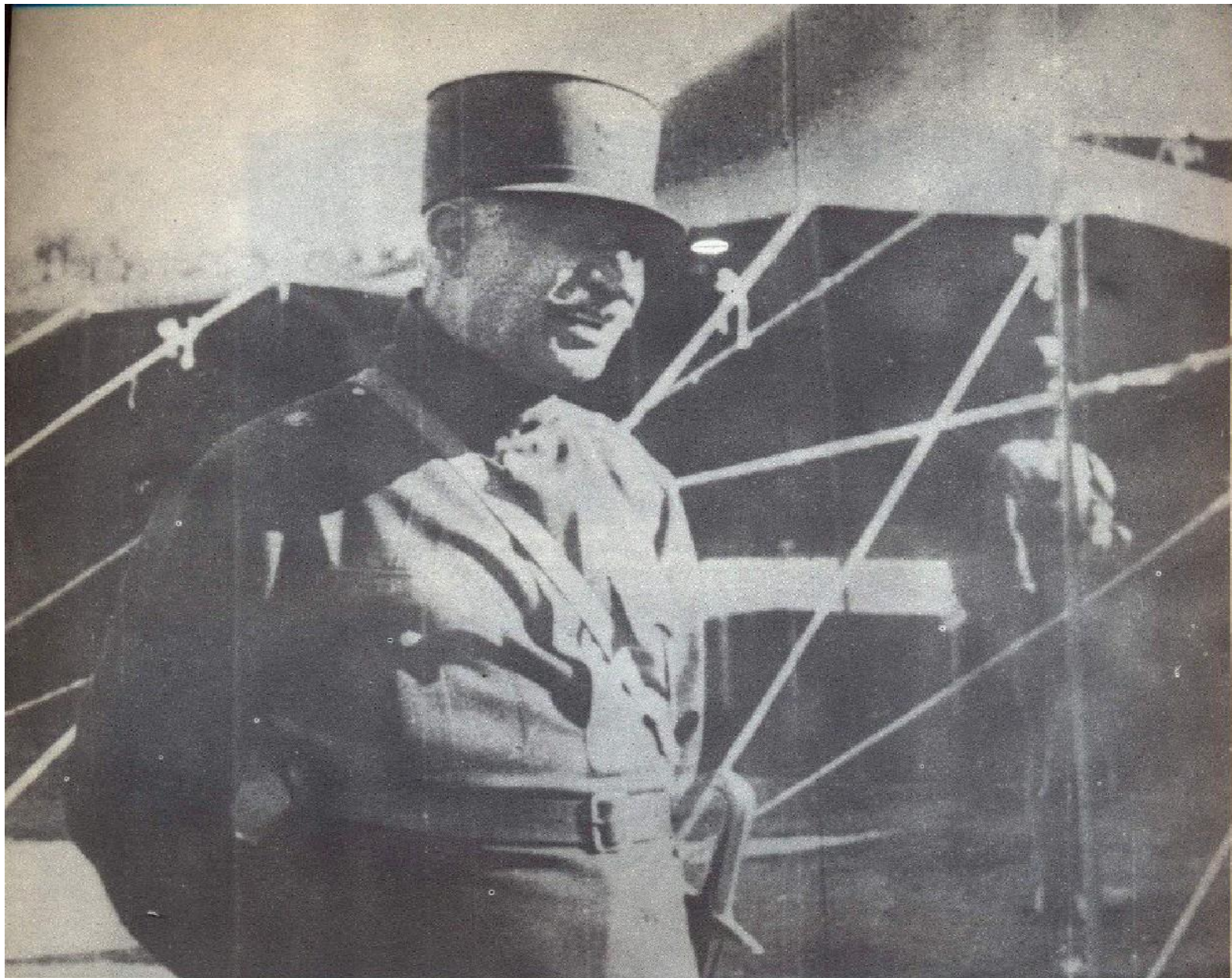
هر وقت امنیت يك ملت دچار تزلزل شده ، زرو سیم در زیر خاکها پنهان گشته و یا پول به همان بنکدارها که سرانجام « صرافان » شده اند سپرده گردیده و کار صرافی بصورت شغل خاص رونق گرفته است .

چنانکه در دوره مغول وضع صرافی ایران لطمه ی فراوان دید ولی در دوره سلطنت صفویه دوباره رونق گرفت و سطح اقتصاد ایران را بالا برد .

در دنیای امروز اقتصاد هیچ کشوری بدون وجود بانک امکان پذیر نیست و عملیات اقتصادی بانکها بر اساس « دریافت سپرده ، اعطای وام ، دادن اعتبار ، تنزیل برات ، و ایجاد پول ، منهای اسکناس و سکه های در گردش » قرار دارد .

بانک بصورت جدید از يك قرن پیش در ایران سابقه دارد چنانکه در سال ۱۲۶۶ شمسی « ۱۸۸۸ میلادی » برای نخستین بار يك بازرگان انگلیسی بانکی بنام « بانک جدید شرق » گشود و پس از يك سال « ژولیوس دورویتر » بازرگان دیگر انگلیسی امتیاز بانک ناشر اسکناس را از شاه قاجار گرفت و تأسیسات آن بانک را خرید و بنام « بانک شاهنشاهی ایران » آغاز بکار کرد که بدنبال آن بر اثر رقابت روسهای تزاری در سال ۱۲۷۰ خورشیدی « ۱۸۹۱ میلادی » امتیاز بانک « استقراضی » ناشر اسکناس هم بروسها داده شد که موفق به چاپ اسکناس نشد . سپس بانک دیگری بنام « بانک عثمانی » در سال ۱۳۰۱ شمسی تأسیس گردید .





در بیست و ششم بهرمه سال ۱۳۱۳ با تشریف فرمائی اعلیحضرت رضاشاه کبیر بپاقل ملی ساختمان پاقل آغاز گردید

بانك و بانكدارى در عصر جدید

با پیدایش بانكهای جدید خارجی و امکانات وسیع سیاسی بین المللی نیروی اقتصادی ایران از دست صرافان ایرانی خارج شد و کار رقابت بینگانگان بجائی رسید که هر وقت میخواستند بازار ایران را فلج کنند پول را در بانك انداخته میکردند .

بانك انگلیس و بانك روس با وجود ضرایبانهی ایران ، درلندن و مسکو ضریب مسكوك ایران میکردند و در بازار ایران داد و ستد مینمودند و بعض صرافان بازار هم کار گنادر آنها بودند .

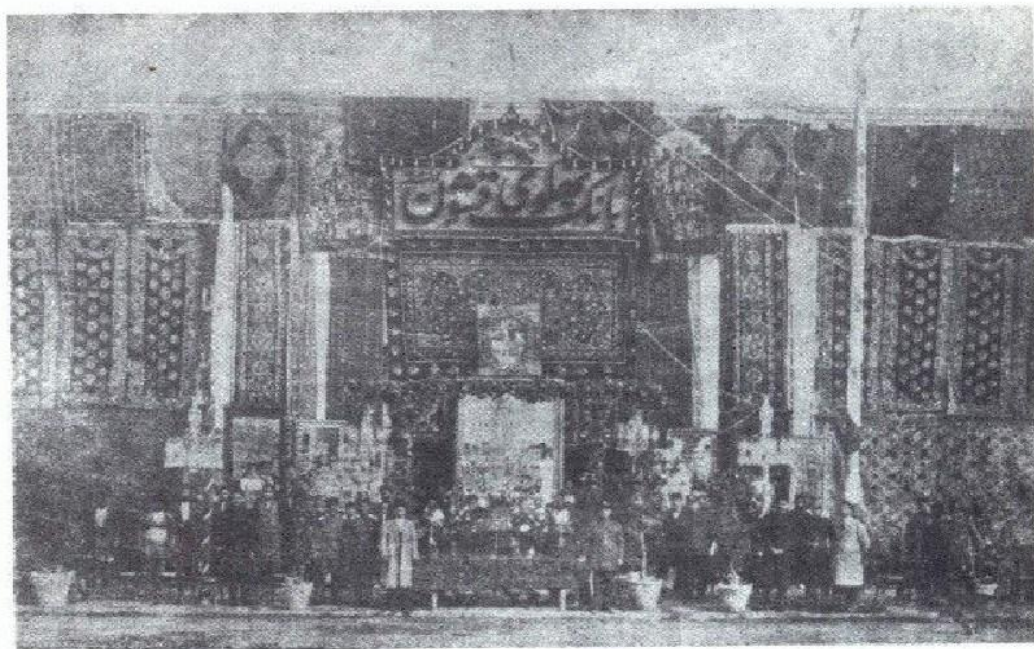
اسکناسهای بانك شاهنشاهی هم بصورتی بود که خاص هر شهر چاپ شده بود و همه جا برداشته نمیشد بطور نمونه روی اسکناس نوشته شده بود « فقط در تبریز ادا خواهد شد » .

صرافان بازار هم هر يك اوراقی داشتند که با مهر و امضای آنها در گردش بود و اگر بخواهیم تشبیه کنیم باید بگوئیم بصورت چكهای تضمین شده بود که نزد یکدیگر ، اعتبار داشت و ربح و نزول بان تعلق میگرفت .

عصر پهلوی نخستین بانک ایرانی

این مقدمه بدان آورده شده که وقتی بخواهیم از دوره اعلیحضرت رضاشاه کبیر گفتگو کنیم نسل معاصر و نسل آینده بدانند که رضاشاه کبیر چه خدمت بزرگ و چه مجاهدتی کرد تا پول ایران را از چنگ بیگانگان در آورد.

بنا بامر اعلیحضرت رضاشاه کبیر در سال ۱۳۰۴ با سرمایه‌ای که موجودی صندوق بازنشستگان درجه‌دار ارتش بود « بانک پهلوی قشون » تأسیس گردید که از سال ۱۳۰۵ تا امروز بنام « بانک سپه » نامیده میشود و در واقع زمینه‌ای بود که برای تأسیس بانک ملی آماده شد.



بانک پهلوی قشون « بانک سپه »
در نخستین سال تأسیس هنگام جشن و چراغانی



بانک شاهی واقع در میدان سپه
پنج‌جاه سال پیش



بانک و پول



چگونگی تأسیس بانک ملی ایران

قانون تأسیس بانک ملی ایران در آردیبهشت ماه سال ۱۳۰۶ بتصویب مجلس ایران رسید و از روز هفدهم شهریور ماه سال ۱۳۰۷ نخستین بانک تجاری ایران بنام « بانک ملی ایران » آغاز بکار کرد .

سرمایه بانک ملی ایران بموجب اساسنامه مصوبه هیئت وزیران معادل دو میلیون تومان تعیین گردید که صدی چهل آن نقداً از طرف دولت پرداخت شد .

برای افتتاح بانک اعلیحضرت رضاشاه کبیر تشریف فرما شدند و رئیس بانک « لیندن پلات » تبعه آلمان خیر مقدم گفت و گزارش بانک را بعرض رسانید . اعلیحضرت ضمن سخنان خود در پاسخ مدیرکل بانک خطاب بمعوم مخصوصاً به بازرگانان و کشاورزان فرمودند : ... تأسیس بانک ملی یکی از آرزوهای دیرینه ملت من بوده و حال که بعون الله تعالی به عملی کردن این آرزوی ملی موفقیت حاصل شده لازم میدانم نکات چندی را بمعوم گوشزدکنم . در انتظار مردم دنیا پیشرفت این قبیل مؤسسات نمونه لیاقت ملی محسوب میشود بنابراین به فرد فرد ملت خود توصیه و تأکید میکنم که از هیچ قسم فداکاری برای محکم کردن این اساس عام المنفعه خودداری ننمایند با مساعدت های خاصی که از جانب خود من و دولت برای کلیه امور مربوط باقتصادیات مملکت معطوف بوده و می باشد یقین داریم که افراد ملت من نیز مراتب وطن پرستی و فداکاری را که شایسته عموم ملل راقیه است بمنصهی بروز خواهند رسانید ...

نشر اسکناس و ضرب پهلوی طلا



واحد پول ایران «پهلوی طلا»

در اسفندماه سال ۱۳۰۸ دولت لایحه‌ی تعیین واحد پول ایران را بطلا از مجلس گذرانید که طبق آن واحد پول براساس پهلوی طلا تعیین شد. و درنوروز سال ۱۳۰۹ يك پهلوی و نیم پهلوی طلا و پولهای نقره‌ی پنج ریالی، دوریالی، يك ریالی و نیم ریالی از طرف بانک ملی ایران رایج شد و پولهای سابق که «قران» نامیده میشد جمع‌آوری گردید.

تغو امتیاز اسکناس بانک شاهی

پیرو مذاکرات نمایندگان وزارت دارائی با بانک شاهی در روز ۲۴ اردیبهشت ۱۳۰۹ در وزارت دارائی قراردادی بین وزیر دارائی و رئیس بانک شاهی بامضا رسید که طبق ماده اول آن حق صدور و انتشار اسکناس که تا آنروز در انحصار بانک شاهی بود ملغی گردید و مقرر شد که در مدت معینی اسکناسهای بانک از گردش خارج شود و بر اساس قانون بانک ملی ایران از تاریخ مذکور بانک ملی ایران با تصویب دولت ناشر اسکناس ایران گردید. اسکناسهای سابق که واحد آن «تومان» بود گردآوری شد و اسکناسهای جدید بانک ملی ایران با واحد ریال و تمثال اعلیحضرت رضاشاه کبیر از ده ریالی تا هزار ریالی بگردش افتاد.

از هنگامی که بانک ملی ایران ناشر اسکناس شد شعبه‌ی کشاورزی و صنعتی آن مستقل شد و از ۲۵ تیرماه سال ۱۳۱۲ بنام بانک فلاحی و صنعتی ایران آغاز بکار کرد.

سخنان اعلیحضرت رضاشاه کبیر در بانک ملی ایران

ساعت چهار بعد از ظهر روز ۲۶ تیرماه ۱۳۱۲ اعلیحضرت رضاشاه کبیر بیانک ملی ایران تشریف آوردند و حسین علاء رئیس کل بانک ملی ایران طی گزارشی معروض داشت و ... اعلیحضرتا ، بنائی که با اجازه اعلیحضرت اقدس روی این پایه محکم ساخته میشود روح تازه‌ای برای بانک ملی ایران ایجاد خواهد کرد ، قصد هیئت‌مدیره این بانک این خواهد بود که همواره از روی صحت و دقت و صداقت مساعی خود را مصروف اصلاح و توسعه امور بانک ملی نماید بنام هیئت مدیره از اعلیحضرت اقدس ملوکانه استدعا مینمایم بدست‌مبارک سنگه اول بنا را نصب فرموده بانک ملی را سرافراز و قرین امتنان فرمایند... در این هنگام فرزین معاون کل بانک چکش طلائی را با لوله بلورینی که در سینی قرار داشت بحضور برده و اعلیحضرت لوله بلورین را که در آن تاریخیچه بانک ملی و تاریخ نصب اولین سنگه بنا بصر اعلیحضرت رضاشاه پهلوی ثبت شده بود در میان دوسنگه بنا نهادند و با چکش سه ضربه به سنگه زدند و ساختمان بانک ملی ایران که امروز از ساختمان‌های پرشکوه تهران است آغاز گردید و بسال ۱۳۱۴ پایان یافت .

اعلیحضرت رضاشاه کبیر ضمن پاسخ به سخنان رئیس بانک ملی فرمودند ... امروز دوستان و دشمنان ما همه متوجه این مؤسسه هستند ، اگر مؤسسه خوب اداره شد و خوب کار کرد ما آبرومند و سرافراز میشویم باید متصدیان بانک نهایت جدیت را در حسن انجام کار نمایند و مثل سربازانی باشند که در راه وطن جان نثاری می‌کنند . شما بدانید که من نهایت مراقبت را در امور بانک ملی دارم ، باید مرا رئیس معنوی خود بدانید و در انجام وظائف کوتاهی نکنید ، خیلی مسرورم در اتفاقی که اخیراً برای این مؤسسه روی داد رؤسا و اعضای ایرانی دخالت نداشته و بعضی از آلمانیها قصور در وظیفه خود کرده بودند .

نیرومندی بانک ملی ایران

از سال ۱۳۱۲ که اقتصاد ایران رونق تازه‌ای گرفته بود بانک ملی ایران علاوه بر فعالیت بازرگانی وامهای طویل مدت برای احداث راه آهن و صنایع در اختیار مؤسسات عمومی و خصوصی گذارد که سهم بزرگی در صنعتی کردن و توسعه اقتصاد ایران در دوره قبل از جنگ دوم جهانی دادا گردید . در سال ۱۳۱۸ صندوق پس انداز ملی تأسیس شد و تا سال ۱۳۲۰ شعبات بانک در سراسر کشور به ۸۹ رسید و سرمایه بانک به سیصد میلیون ریال افزایش داده شد و یکی از نیرومندترین سازمانهای اقتصادی مملکت گردید.



دیدارها و بازدیدهای سران دول از ایران

بازدیدهای کوتاه

* برای تحکیم روابط بیشتر با دول دوست بازدیدهایی بعمل آمد که در اینجا باختصار از آنها یاد می شود :
امیرامان اله خان پادشاه افغانستان در سال (۱۳۰۷) از ایران بمدت يك هفته دیدن کرد و مورد احترام بسیار قرار گرفت بطوری که والا حضرت ولایتعهد «شاهنشاه آریامهر» تا پنج فرسنگی پای تخت و منطقه ی کرج از او استقبال نمودند .
* وزیر جنگ عراق «جعفر پاشا عسکرلی» بایران آمد و پس از او «رشدی آراس» وزیر خارجه ترکیه از ایران دیدن نمود .



رضاشاه کبیر شاهنشاه ایران و ملک فیصل اول پادشاه عراق

* سال ۱۳۱۱ خورشیدی ملک فیصل اول پادشاه عراق «فرزند شریف مکه» با تفاق رئیس الوزرای خود ژنرال نوری السعید از ایران دیدن کردند و میهمان رسمی دولت شاهنشاهی بودند .

* امیر فیصل ولیعهد (نجد و حجاز) که امروزه عربستان سعودی است بسال ۱۳۱۱ میهمان دربار ایران بود .
* کارخان کمیسیون امور خارجه اتحاد شوروی در سال ۱۳۱۲ بایران آمد .

* گوستاو ولیعهد سوئد (پادشاه امروزی آن کشور) بمدت دو هفته میهمان دربار ایران بود و از آثار باستانی بیستون و تخت جمشید بازدید نمود و زیر اعلیحضرت پادشاه سوئد یکی از مستشرقین بنام و از باستان شناسان جهان امروز است .

* وزیر جنگ افغانستان «شاه محمود خان» در سال ۱۳۱۵ چند روز میهمان دولت ایران بود .

* دکتر شاخت وزیر اقتصاد دولت آلمان در سال یک هزار و سیصد و پانزده بایران آمد و از تمام مؤسسات اقتصادی و ورزشی دیدن کرد .

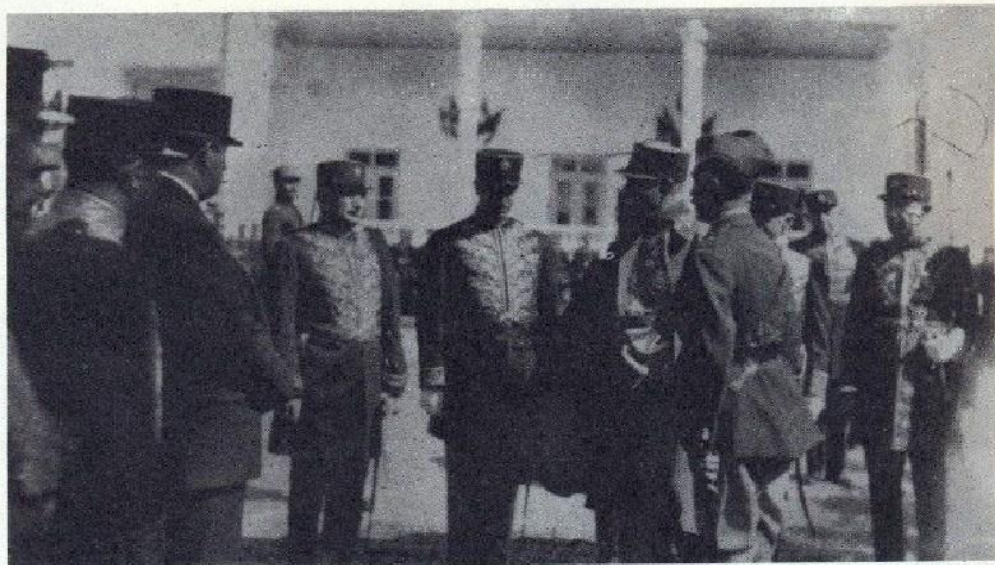
* ومهتر آنکه بدستور رضاشاه کبیر برای امنیت منطقه ی جغرافیائی خاور میانه پیمان سعدآباد در سال (۱۳۱۶) بسته شد و بدعوت وزیر امور خارجه ایران وزرای خارجه ترکیه و افغانستان و عراق مدت يك هفته در تهران بودند و در کاخ سعدآباد (پیمان معروف به سعدآباد) را برای اتحاد امضاء کردند .

* علاوه بر عضویت ایران در جامعه ی ملل که بدان اشاره شد باید از دعوت برای عضویت ایران در دیوان داوری لاهم یاد کرد .



مراسم استقبال از پادشاه عراق

اعلیحضرت رضاشاه کبیر
از اعلیحضرت ملک فیصل اول
پادشاه عراق در مدخل شهر
تهران و جاده مهرآباد با
تشریفات رسمی استقبال نمودند
و تا کاخ گلستان همراهی
کردند.



در اینجا هنگامی است
که اعلیحضرتین از خیابان
سپه میگذرند.

هیئت دولت در حضور اعلیحضرت رضاشاه کبیر و ملک فیصل اول

